محوریت شهادتین بعد از فتنه‌ی سقیفه

در صفحه‌ی هفتاد و سوم، در خطبه‌ الوسیله بودیم. حضرت علیه السلام فرمودند:

> «ونحمده بالحمد الذي ارتضاه لخلقه ، وأوجب قبوله على نفسه ، وأشهد أن لا إله إلا اللّه وحده لا شريك له ، وأشهد أن محمد عبده ورسوله ، شهادتان ترفعان القول ، وتضاعفان العمل ، خفّ ميزان ترفعان منه ، وثقل ميزان توضعان فيه» [1].

چه عباراتی است! دم و دستگاهی است! کلماتی را که خدمت شما عرض کردم، دقیقاً یادم نیست، ولی ظاهرا عرض کردم که راجع به لغت «ضَعُف»، «ضَعف»، «ضِعف» تحقیقی داشته باشیم.

قبلش حضرت علیه السلام فرمودند: «شهادتان ترفعان القول». البته می‌دانید که شهادتان، ضروری دین اسلام است. آن چیزهایی که سبب مسلمان‌شدن، می‌شوند، یکی شهادت به توحید و دیگری شهادت به رسالت است. یکی از آن‌ها کافی نیست. بحث‌های فقهی و سبک و سنگین آن هم، سر جای خودش. بحمدالله نوعاً می‌دانید.

شاید «شهادتان»، ناظر به چیزی باشد که در نهج‌البلاغه هست. حضرت علیه السلام می‌فرمایند: وقتی پیامبر صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله، آیندگی امت اسلامی را ذکر فرمودند، چنین عرض کردم:

> «قُلْتُ يَا رَسُولَ اللّه فَبِأَيِّ الْمَنَازِلِ أُنْزِلُهُمْ عِنْدَ ذَلِكَ أَبِمَنْزِلَةِ رِدِّهِمْ أَمْ بِمَنْزِلَةِ فِتْنَةٍ فَقَالَ بِمَنْزِلَةِ فِتْنَةٍ» [2].

این چیزهایی که شما به من خبر دادید، سبب می‌شود که اینها از اسلام خارج شوند؟ یا مفتون هستند؟ یعنی فتنه است و مرتد نیستند. حضرت علیه السلام فرمودند: «بمنزلة فتنة».

بنده احتمال می‌دهم، هفت روز بعد از شهادت پیامبر خدا صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله که حضرت علیه السلام می‌فرمایند: «شهادتان»، یعنی فعلاً در فضایی قرار گرفته‌ایم که این «شهادتان» محوریت دارد. ایمان بالمعنی الاخص در آن شرائط، به‌معنای خاص خودش و در باطن امر قرار گرفته است، نه در فضای جریان احکام ظاهری. لذا می‌فرمایند: «شهادتان»؛ الآن روزی است که این شهادتان محوریت دارد. واقعیتش که واقعیت آن است، روی حساب بازتاب آن در امور اجتماعی هم به این صورت است.

[1]. شیخ صدوق، التّوحید، ج۱، ص ۷۳.

[2]. نهج البلاغه (بر اساس نسخه ی صبحي صالح)، ج ۱، ص ۲۲۰.

بازبینی #2
ایجاد شده 10 فوریه 2024 13:08:39 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 فوریه 2024 11:01:32 توسط ... .